

ورود بدون احرام حجاج به مکه جهت قرنطینه و احراز سلامتی

مهدی ساجدی^۱ و حسام‌الدین ربانی^۲

چکیده

تحقیق حاضر به بررسی حکم تکلیفی و وضعی ورود بدون احرام به مکه مکرمه - به دلیل لزوم قرنطینه حجاج خانه خدا در هتل‌های این شهر مقدس - پرداخته است. نتایج حاصل از این تحقیق - که با تحلیل ادله و از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری صورت گرفته - حاکی از اتفاق فقها در حکم عدم جواز ورود به منطقه حرم و شهر مقدس مکه بدون احرام است. آنان از این حکم، تنها فرد مریض و کسی که هدفش از ورود به منطقه حرم عبور از آن است و قصد انجام مناسک ندارد را استثنا کرده‌اند. با وجود این مطلب به نظر می‌رسد ورود بدون احرام به شهر مقدس مکه نیز برای حجاج مورد گفت‌وگو جایز است و کفاره‌ای در پی ندارد؛ زیرا روایات ظهور دارند در اینکه احرام جهت ورود به منطقه حرم و شهر مکه که جزء آن است، برای فردی که قصد انجام دادن مناسک را دارد واجب است. از این رو حجاجی که قصدشان از ورود به منطقه حرم و مکه، قرار گرفتن در قرنطینه است را شامل نمی‌شود. بنابراین آنان پس از اتمام مدت قرنطینه و محرز شدن سلامتیشان می‌توانند انجام دادن مناسک را قصد کنند و بدین منظور لازم است به نزدیک‌ترین میقات برگردند و در صورت عدم امکان، از ادنی‌الحل مُحرم شوند.

کلیدواژه‌ها: احرام، میقات، منطقه حرم، مکه، ادنی‌الحل.

۱. عضو هیئت علمی دانشکده علوم و معارف اسلامی دانشگاه قرآن و حدیث قم
(mehdisajedi85@yahoo.com)

۲. عضو هیئت علمی دانشکده علوم و معارف اسلامی دانشگاه قرآن و حدیث قم (نویسنده مسئول)
(hesamodinrabbani92@yahoo.com)

متأسفانه امروزه بسیاری از مردم دنیا با بیماری مسری و خطرناک کوید ۱۹ درگیر شده‌اند و این بیماری، انجام عبادات و مناسک معنوی مسلمانان - از جمله مناسک و اعمال عبادی عمره و حج - را دستخوش تغییر قرار داده است؛ تا آنجا که سال گذشته، دولت عربستان تصمیم گرفت مراسم حج را با تعداد محدودی از زائران کشور خود برگزار کند. این بیماری، خصوصاً در فرض استمرار و بقا در کل دنیا و احتمال سرایت بالای آن و نبود واکسن و درمان خاص برای آن تا زمانی مشخص، مسئله ادای مناسک عمره و حج را با ابهاماتی روبه‌رو ساخته است. از جمله ابهاماتی که در این زمینه قابل اشاره است، لزوم ورود حجاج به مکه و استقرار در هتل‌ها به مدت دو هفته جهت قرنطینه به منظور احراز سلامتی کامل آنها برای ادای مناسک عمره و حج است.

در این صورت یا حجاج باید در میقات محرم شوند و مدت دو هفته در احرام باقی بمانند تا پس از اتمام مدت زمان قرنطینه، بتوانند عمره خود را انجام دهند و از احرام خارج شوند که این امر، با توجه به لزوم پرهیز آنان از محرّمات احرام در این مدت، مشقت و سختی فراوانی را برای آنان همراه دارد. همچنین ممکن است سلامتی برخی حجاج در این فاصله زمانی محرز نگردد؛ یا اینکه بدون احرام وارد شهر مقدس مکه شوند و در هتل‌های خود استقرار یابند و پس از اتمام مدت زمان قرنطینه و احراز سلامتی کامل جهت انجام مناسک، به میقات، و در صورت عدم امکان، به ادنی‌الحل برگردند و مُحرم شوند و سپس به مسجدالحرام روند و اعمال عمره خود را به جای آورند.

راهکار دوم گرچه برای حجاج آسان‌تر است، اما با مشکل عدم جواز ورود بدون احرام به منطقه حرم روبه‌رو است که به تصریح برخی فقها، مورد اتفاق فقیهان امامیه است و آنان فقط مریض و کسی که اراده انجام مناسک ندارد را از

این حکم استثنا کرده‌اند. (علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۰، ص ۱۸۲؛ موسوی عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۷، ص ۳۸۰؛ مازندرانی، ۱۴۲۹ق، ج ۴، ص ۶۲۵؛ نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۱، ص ۱۹۳؛ صاحب جواهر، ۱۴۰۴ق، ج ۱۸، ص ۱۲۵؛ گلپایگانی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۲۰)

با توجه به مطلب فوق چندین سؤال، مجال طرح می‌یابد؛ از جمله:

- آیا حجاج خانه خدا باید مشقت بقای در احرام را در مدت زمان قرنطینه به جان بخرند یا می‌توان آنان را مصداق کسانی قرار داد که قصد ادای مناسک را ندارند تا ورود آنان بدون احرام به منطقه حرم و استقرارشان در هتل‌های مکه در مدت زمان قرنطینه و احراز سلامتی، خالی از محذور باشد؟
- آیا وجوب احرام برای عبور از میقات و حرمت ورود بدون احرام به منطقه حرم و مکه، نفسی است یا غیری؟
- حکم گذر از میقات بدون احرام با ورود بدون احرام به منطقه حرم و شهر مکه یکی است یا دو حکم متفاوت از یکدیگر دارند؟
- پیش از پاسخ به این پرسش‌ها، اقوال فقها در مورد ورود بدون احرام به منطقه حرم و شهر مکه و مستندات آنان را بررسی می‌کنیم.

اقوال فقها

- مطابق نظر فقیهان امامیه، تأخیر احرام از میقات - جز در موارد خاص - جایز نیست؛ چنان‌که علامه حلی رحمته الله علیه می‌نویسد:
- زمانی که مکلف به میقات آمده و اراده انجام اعمال داشته باشد، واجب است از میقات محرم شود و تأخیر انداختن احرام از میقات جایز نیست. این مطلب، نظر همه علماست؛ زیرا فایده قرار دادن میقات توسط رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم التزام داشتن به انجام دادن مناسک از آنجاست؛ به گونه‌ای که مکلف، جلو یا عقب‌تر از آن، مناسک را شروع نکند. (علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۰، ص ۱۸۳)
- همچنین آنان معتقدند ورود بدون احرام به شهر مکه - جز در موارد خاص

– جایز نیست؛ برای نمونه محقق حلی رحمته الله علیه می‌نویسد: «هرکس داخل مکه شود باید با احرام داخل شود؛ مگر کسی که پس از احرام داخل شده و یک ماه از ورود با احرامش نگذشته باشد یا مکرراً بخواهد به این شهر ورود داشته باشد. (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۲۷)

سایر فقهای متقدم (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۷۷؛ ابن براج، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۲۱۱؛ ابن إدريس حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۵۲۷)، متأخرین (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۷۰؛ مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۱۶۰؛ محقق سبزواری، ۱۲۴۷ق، ج ۲، ص ۵۷۳؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۵، ص ۱۲۳) و معاصرین (محقق داماد، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۶۰۹؛ خوئی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۲۱۷؛ اشتهاردی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۵، ص ۱۶۴؛ سبحانی، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۲۶۲؛ مصطفوی، ۱۴۲۱ق، ص ۲۲۳؛ مظاهری، ۱۳۹۷ش، ص ۱۱۱) نیز همین گونه فتوا داده‌اند.

همچنین تمام فقها معتقدند چنانچه مکلف عمداً بدون احرام از میقات بگذرد و وارد منطقه حرم و شهر مکه شود و امکان رجوع به میقات نداشته و میقات دیگری نیز در پیش نداشته باشد، حجش باطل است. (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۲۱۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۰، ص ۱۸۳؛ مظاهری، ۱۳۹۷ش، ص ۱۱۱) بنابراین به نظر می‌رسد اصل مسئله – یعنی عدم جواز ورود به منطقه حرم و شهر مکه بدون احرام – مورد اتفاق همه فقهاست. بنابراین باید از مستندات مسئله و موارد استثنا بحث شود.

مستندات اقوال

چنانچه گذشت تمامی فقها در این مسئله، قائل به وجوب احرام از میقات هستند. مستند فقها در حکم به وجوب احرام از میقات برای کسی که قصد ورود به حرم یا شهر مکه را دارد و نیز موارد استثنا از این حکم، منحصر در روایات ذیل است:

۱. صحیح‌ه معاویة بن عمار از امام صادق علیه السلام:

یکی از اسباب انجام دادن حج و عمره به طور کامل این است که از مواقبتی که رسول خدا صلی الله علیه و آله تعیین فرموده‌اند مُحرَم شوی و از این مواقبت جز با احرام نگذری.^۱
(کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۳۱۸)

۲. صحیح‌ه حلبی:

از امام صادق علیه السلام در مورد حکم مردی سؤال کردم که احرام را تا زمانی که داخل منطقه حرم شده فراموش کرده است. حضرت فرمودند: «پدرم فرموده باید به میقات اهل سرزمینش برگردد؛ اما اگر می‌ترسد حجش از دست برود از همان جا مُحرَم شود. پس اگر می‌تواند از منطقه حرم خارج شود باید بیرون رفته، سپس مُحرَم شود.»^۲ (همان، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۳۲۳)

۳. صحیح‌ه صفوان بن یحیی از امام رضا علیه السلام:

به حضرت نامه نوشتم: «برخی دوستداران شما از بصره، میان وادی عقیق مُحرَم می‌شوند که آب و محل استراحت ندارد و به همین دلیل بر آنان سخت می‌گذرد و همراهان و کارواندارشان آنان را به عجله وامی‌دارد؛ درحالی که پس از آنجا به فاصله پانزده میل، محل استراحتی است که آب یافت می‌شود و محل همیشگی استراحتشان است. آیا اجازه می‌دهید به خاطر راحت‌تر بودن و آسانی از آنجا مُحرَم شوند؟» حضرت در پاسخ مرقوم فرمودند: «همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله هر میقاتی را برای اهلش معین کرد و برای هر کسی از غیر اهل آن میقات که از آنجا بگذرد و در این تعیین، فقط برای

۱. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «مِنْ تَمَامِ الْحَجِّ وَ الْعُمْرَةِ أَنْ تُحْرِمَ مِنَ الْمَوَاقِيتِ الَّتِي وَ قَّهَهَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ لَا تُجَاوِزَهَا إِلَّا وَ أَنْتَ مُحْرِمٌ...»

۲. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ أَنْ يُحْرِمَ حَتَّى دَخَلَ الْحَرَمَ». قَالَ: «قَالَ أَبِي يُخْرَجُ إِلَى مِيقَاتِ أَهْلِ أَرْضِهِ فَإِنْ خَشِيَ أَنْ يَفُوتَهُ الْحَجَّ أَحْرَمَ مِنْ مَكَانِهِ فَإِنْ اسْتَطَاعَ أَنْ يُخْرَجَ مِنَ الْحَرَمِ فَلْيُخْرَجْ ثُمَّ لِيُحْرِمْ».

مریض رخصت است که بدون احرام بگذرد. پس کسی جز مریض بدون احرام از میقات نباید بگذرد.^۱ (همانجا)

۴. صحیحہ معاویة بن عمار:

از امام صادق علیه السلام در مورد حکم زنی سؤال شد که با گروهی همسفر بوده و دچار قاعدگی می‌شود. پس کسی را سوی آن قوم می‌فرستد و از حکم خود در مورد لزوم احرام و عدم آن می‌پرسد. آنان می‌گویند: نمی‌دانیم در حال قاعدگی باید مُحرم شوی یا نه. پس او را رها کردند تا داخل منطقه حرم شد. حضرت فرمودند: «اگر مهلت دارد باید به میقات بازگردد و از آنجا مُحرم شود؛ و گرنه باید به جایی در خارج حرم که توانش را دارد، برگردد؛ به گونه‌ای که حج از او فوت نشود».^۲ (همان، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۳۲۵)

۵. صحیحہ حلبی:

از امام صادق علیه السلام در مورد حکم مردی سؤال کردم که محرم نشده تا اینکه داخل حرم شده است. حضرت فرمودند: «به میقات مردم سرزمینش که از آنجا مُحرم می‌شوند، برگردد و مُحرم شود. اگر می‌ترسد جشش فوت شود از همانجا مُحرم شود. پس اگر می‌تواند از حرم بیرون رود باید خارج گردد».^۳ (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۳۲۸)

۱. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا علیه السلام قَالَ: «كُتِبَتْ إِلَيْهِ أَنْ بَعْضَ مَوَالِيكَ بِالْبَصْرَةِ يُجْرِمُونَ بِيَطْنِ الْعَقِيقِ وَ لَيْسَ بِذَلِكَ الْمَوْضِعِ مَاءٌ وَ لَا مَنْزِلٌ وَ عَلَيْهِمْ فِي ذَلِكَ مَثْوَةٌ شَدِيدَةٌ وَ يُعْجَلُهُمْ أَصْحَابُهُمْ وَ بَنَاتُهُمْ وَ مِنْ وَرَاءِ بَطْنِ الْعَقِيقِ بِخَمْسَةِ عَشَرَ مِيلاً مَنْزِلٌ فِيهِ مَاءٌ وَ هُوَ مَنْزِلُهُمُ الَّذِي يَنْزِلُونَ فِيهِ فَتَرَى أَنَّ يُجْرِمُوا مِنْ مَوْضِعِ الْمَاءِ لِرُفْقِهِ بِهِمْ وَ خَفِيَّتِهِ عَلَيْهِمْ». فَكَتَبَ: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَقَّتَ الْمَوَاقِيتَ لِأَهْلِهَا وَ لِمَنْ أَتَى عَلَيْهَا مِنْ غَيْرِ أَهْلِهَا، وَ فِيهَا رُخْصَةٌ لِمَنْ كَانَتْ بِهِ عِلَّةٌ، فَلَا يُجَاوِزُ الْمِيقَاتَ إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ».

۲. صَفْوَانُ، عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ، قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنِ امْرَأَةٍ كَانَتْ مَعَ قَوْمٍ، فَطَوَّأَتْ، فَأَرْسَلَتْ إِلَيْهِمْ، فَسَأَلْتَهُمْ، فَقَالُوا: مَا نَدْرِي أَعَلَيْكَ إِحْرَامٌ أَمْ لَا وَ أَنْتِ حَائِضٌ، فَتَرَكُوها حَتَّى دَخَلَتْ الْحَرَمَ». قَالَ: «إِنْ كَانَ عَلَيْهَا مُهَلَّةٌ، فَلْتَرْجِعْ إِلَى الْوَقْتِ، فَلْتَحْرِمْ مِنْهُ؛ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ عَلَيْهَا وَقْتُ، فَلْتَرْجِعْ إِلَى مَا قَدَرْتَ عَلَيْهِ بَعْدَ مَا تَخْرُجُ مِنَ الْحَرَمِ بِقَدْرِ مَا لَا يَقْبُولُهَا».

۳. مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ رَجُلٍ تَرَكَ الْإِحْرَامَ حَتَّى دَخَلَ الْحَرَمَ؟» فَقَالَ: «يَرْجِعُ إِلَى مِيقَاتِ أَهْلِ بِلَادِهِ الَّذِي يُجْرِمُونَ مِنْهُ فَيُحْرِمُ مِنْهُ فَإِنْ خَشِيَ أَنْ يَقُوتَهُ الْحَجَّ فَلْيُحْرِمْ مِنْ مَكَانِهِ فَإِنْ اسْتَطَاعَ أَنْ يَخْرُجَ مِنَ الْحَرَمِ فَلْيَخْرُجْ».

۶. صحیحہ محمد بن مسلم:

از امام باقر علیه السلام سؤال کردم: «آیا کسی می تواند بدون احرام وارد منطقه حرم شود؟» فرمودند: «نه، مگر اینکه مریض بوده یا مبطون باشد». ^۱ (همان، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۴۰۳)

۷. صحیحہ محمد بن مسلم:

از امام باقر علیه السلام سؤال کردم: «آیا کسی می تواند بدون احرام وارد مکه شود؟» فرمودند: «نه، مگر اینکه مریض بوده یا مبطون باشد». ^۲ (همان جا)

۸. صحیحہ رفاعه:

از امام صادق علیه السلام در مورد مردی که به بیماری شکم و درد شدید مبتلا شده سؤال کردم که آیا می تواند بدون احرام وارد مکه شود؟ فرمودند: «داخل نمی شود مگر به صورت مُحْرَم». ^۳ (همان جا)

۹. صحیحہ معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام:

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در روز فتح مکه فرمودند: «همانا خداوند از ابتدای خلقت آسمانها و زمین، مکه را دارای حرمت قرار داد و تا روز قیامت دارای حرمت است؛ برای احدی پیش از من حلال نکرده و برای احدی پس از من حلال نمی کند و حلال قرار نداده برای من جز بخشی از روز را». ^۴ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۲۶)

۱. وَ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام: هَلْ يَدْخُلُ الرَّجُلُ الْحَرَمَ بَعْدَ إِحْرَامِهِ؟» قَالَ: «لَا إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَرِيضًا أَوْ بِهِ بَطْنٌ».
۲. وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ عَاصِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام: هَلْ يَدْخُلُ الرَّجُلُ مَكَّةَ بَعْدَ إِحْرَامِهِ؟» قَالَ: «لَا إِلَّا مَرِيضًا أَوْ مَنْ بِهِ بَطْنٌ».
۳. وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ مُوسَى قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ بِهِ بَطْنٌ وَ وَجَعٌ شَدِيدٌ يَدْخُلُ مَكَّةَ حَلَالًا؟ قَالَ: «لَا يَدْخُلُهَا إِلَّا مُحْرَمًا» الْحَدِيثَ.
۴. «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ جَمِيعًا عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَوْمَ فَتَحَ مَكَّةَ: إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ مَكَّةَ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ هِيَ حَرَامٌ إِلَيَّ أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ لَمْ يَحِلَّ لِأَحَدٍ قَبْلِي وَ لَا يَحِلُّ لِأَحَدٍ بَعْدِي وَ لَمْ يَحِلَّ لِي إِلَّا سَاعَةٌ مِنْ نَهَارٍ».

۱۰. صحیحہ رفاعة بن موسی از امام صادق علیه السلام:

همانا چوب فروشان و فروشنده‌های دوره گرد نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمده و از ایشان درخواست کردند تا حضرت به آنها اجازه دهد بدون احرام وارد مکه شوند. حضرت نیز به آنان اجازه داد بدون احرام وارد شوند.^۱ (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۴۰۶)

نقد و بررسی و بیان رأی مختار

از آنجا که روایات مورد استناد فقها از اسناد صحیحی برخوردار است، از بررسی سندی آنها صرف نظر می‌کنیم و به بررسی دلالت آنها می‌پردازیم. آنچه روشن است این است که در تمام روایات فوق، به طور صریح یا به ظهور، از عبور از میقات و ورود به منطقه حرم و شهر مکه بدون احرام برای کسی که قصد انجام مناسک را دارد به طور مطلق یا در فرض جهل و نسیان نسبت به حکم، نهی شده است و فقط مریض، مبطون و کسانی که باید برای امرار معاش ساکنان مکه به این شهر تردد کنند استثنا شده‌اند. البته نوع فقها جواز ورود بدون احرام به مکه را به دو عنوان «حطّابه» و «مجتلبه» که در روایت آمده، منحصر نکرده و از روایت مزبور چنین استنباط کرده‌اند که این دو عنوان موضوعیت ندارد و مراد، جواز ورود بدون احرام برای فردی است که ورود مکرر به این شهر دارد. اما به نظر می‌رسد تکرار ورود و خروج در مورد این دو صنف از مشاغل موجود در آن روزگار، موضوعیت ندارد و اجازه فوق برای هر فردی صادر شده که جهت قوام و امرار معاش ساکنان مکه و تأمین نیازمندی‌های آنها بخواهد به این شهر وارد شود و قصد ادای مناسک را ندارد؛ هر چند ورود و خروجش مکرر نباشد.

به هر روی آنچه یقینی است این است که احرام هنگام عبور از میقات و

۱. مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ يَأْتِيهِ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ مُوسَى فِي حَدِيثٍ قَالَ وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: «إِنَّ الْحَطَّابَةَ وَالْمُجْتَلِبَةَ أَتَوْا النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله فَسَأَلُوهُ فَأَذِنَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوا خَلَالًا».

برای ورود به منطقه حرم و شهر مکه واجب است؛ اما باید بررسی شود که آیا احرام، از این جهت که جزئی از مناسک است واجب است یا به دلیل ورود به منطقه حرم و شهر مکه واجب می‌شود یا هر یک از این دو می‌تواند سبب مستقلی برای وجوب احرام باشد؟

تفاوت این دو فرض در این است که در فرض اول، مکلف به دلیل اینکه قصد ادای مناسک را دارد از میقات مُحرم می‌شود و پس از اتمام مناسک در شهر مکه، مُحل می‌گردد؛ اما در فرض دوم، مکلف قصد ادای مناسک را ندارد و فقط به دلیل اینکه می‌خواهد به منطقه حرم یا شهر مکه وارد شود، باید با احرام وارد شود که در این صورت باید از چگونگی خروج وی از احرام گفت و گو شود.

همچنین با توجه به اینکه در برخی روایات، احرام برای ورود به منطقه حرم و شهر مکه واجب دانسته شده، باید معلوم شود که حکم ورود بدون احرام به منطقه حرم و شهر مکه، همان حکم گذر از میقات بدون احرام است یا با آن متفاوت است؟ به عبارت دیگر آیا منطقه حرم و شهر مکه قداستی دارد که نباید هیچ‌کس بدون احرام وارد آن شود هر چند گذر از میقات بدون احرام برای فردی جایز باشد یا حکم ورود به منطقه حرم و مکه مانند عبور از میقات است و تفاوتی ندارد؟

در پاسخ به سؤال اول، با قطع نظر از روایات، چنین به نظر می‌رسد که سبب وجوب احرام، ادای مناسک است؛ بدین معنا که چون مکلف درصدد ادای مناسک برآمده، نباید جز با احرام از میقات عبور کند؛ چراکه تشریح مواقیت نیز در حق کسانی صورت گرفته که درصدد ادای مناسک هستند. و به نظر می‌رسد علت یا حکمت تشریح نیز نظم‌بخشی به فریضه حج است تا همگان ادای مناسک خود را از محلی مشخص آغاز کنند. در این صورت چون ادای مناسک در شهر مکه و مسجدالحرام به انتها می‌رسد، بالتبع ورود به منطقه حرم و شهر مکه نیز با احرام صورت می‌گیرد.

البته منافاتی ندارد که احرام به دو سبب واجب باشد: به جهت ادای مناسک و به جهت ورود به منطقه حرم و شهر مکه؛ بدین معنا که ممکن است شارع، هم برای کسی که قصد ادای مناسک را دارد احرام را لازم کرده باشد و هم به جهت تقدسی که برای شهر مکه یا منطقه حرم قائل است، ورود بدون احرام به این محدوده را ممنوع کرده باشد و لازم باشد که مکلف از میقات یا ادنی‌الحل به نیت ورود به حرم مُحرم شود؛ اما باید از ادله، مشروعیت احرام به این نیت و نیز چگونگی خروج از احرام با فرض صحت و مشروعیت احرام به نیت مزبور، استنباط گردد؛ چون در فرض اخیر، به طور قطع، مکلف نمی‌تواند برای خروج از احرام مناسک عمره را انجام دهد؛ زیرا اصلاً به قصد ادای مناسک مُحرم نشده است و اگر لازم باشد برای خروج از احرام، مناسک را انجام دهد باید در میقات به نیت ادای مناسک مُحرم شود و این خلاف فرض است؛ مگر اینکه از ادله چنین استنباط شود که ورود به منطقه حرم و شهر مکه مستلزم نیت قهری ادای مناسک است.

آنچه بیان شد تصور موضوع مورد گفت‌وگو با قطع نظر از روایات بود؛ اما بررسی روایات حاکی از ظهور آنها در لزوم احرام از میقات برای کسی است که درصدد ادای مناسک عمره و حج است؛ زیرا در برخی از این روایات، مانند روایت منقول از حلبی، سخن از لزوم بازگشت به میقات برای فردی است که بدون احرام به منطقه حرم وارد شده و ترس از فوت حج ندارد و بدیهی است مسئله خوف فوت حج مربوط به کسی است که درصدد ادای اعمال و مناسک است.

البته ممکن است گفته شود برخی روایات - مانند صحیح‌ه محمد بن مسلم، رفاعه و معاویه بن عمار (روایات هفتم تا نهم) - ظهور دارد در اینکه ورود به منطقه حرم و شهر مکه نیز سبب وجوب احرام است؛ زیرا در این روایات، هر مکلفی از ورود بدون احرام به این محدوده منع شده و فقط مریض و مبطون از این حکم، استثنا شده است و از آنجا که ورود به منطقه حرم و شهر مکه جز با

عبور از میقات یا محاذی آن ممکن نبوده و شخصی مثل محمد بن مسلم نیز قاعدتاً می‌دانسته عبور بدون احرام از میقات برای کسی که قصد ادای مناسک را دارد جایز نیست، پس یعنی می‌دانسته مکلفی که قصد ادای مناسک را دارد و به این نیت محرم شده، باید با احرام از میقات بگذرد و به منطقه حرم و شهر مکه وارد شود. بنابراین اگر وی از حکم ورود بدون احرام به منطقه حرم و شهر مکه سؤال می‌کند، درصدد است بداند آیا صرف ورود به منطقه حرم و شهر مکه نیازمند احرام است یا نه؟ به عبارت دیگر درصدد برآمده بفهمد کسی که قصد ادای مناسک را ندارد می‌تواند بدون احرام از میقات بگذرد و وارد منطقه حرم و شهر مکه شود یا نه؟

نیز در برخی از این روایات بیان شده که شهر مکه حتی برای رسول گرامی اسلام ﷺ جز مدت زمان کوتاهی حلال نشده و لزوم رعایت حرمت شهر مکه حتی برای رسول خدا ﷺ نشان از قداست خاص این شهر است. بنابراین اگر مکلف قصد ورود به این شهر را دارد یا باید ادای مناسک را قصد کند یا به نیت ورود به مکه، از میقات محرم گردد. البته استدلال به روایت اخیر مبنی بر این است که مراد از رعایت حرمت مکه، عدم جواز ورود به آن بدون احرام باشد.

اما به نظر می‌رسد نمی‌توان از روایاتی مانند آنچه از محمد بن مسلم و رفاعه و معاویه بن عمار نقل شده، مشروعیت احرام به نیت ورود به منطقه حرم یا شهر مکه را استنباط کرد؛ زیرا این روایات ظهور دارد در اینکه احرام، به دلیل ادای مناسک، بر مکلف واجب شده است و از آنجا که محل احرام، میقات یا در برخی فروض، ادنی‌الحل است، در روایات از گذر از میقات یا ورود به منطقه حرم یا شهر مکه بدون احرام نهی شده است؛ توضیح اینکه در معنای این روایات دو احتمال وجود دارد:

۱. سؤال راوی از حکم کسی باشد که قصد ادای مناسک را ندارد و می‌خواهد بدون احرام به منطقه حرم و شهر مکه وارد شود.

۲. سؤال راوی از حکم کسی باشد که قصد ادای مناسک را دارد، اما احرام از میقات برای او دشوار است و راوی درصدد است بدانند آیا از حکم عدم جواز گذر از میقات بدون احرام، فردی استثنا شده است یا نه؟

قرائن مختلف، موجب می‌شود روایات فوق در معنای دوم ظهور یابد؛ مثل اینکه استثنای مریض و مبطون با قاصد مناسک تناسب دارد؛ زیرا اگر قصد ادای مناسک نباشد، بین مریض و غیر مریض فرقی تصور نمی‌شود و نیز اگر احتمال اول صحیح باشد باید مکلف به نیت ورود محرم شود که مشروعیت آن با خود این روایت قابل اثبات نیست و دلیل دیگری نیز بر صحت و مشروعیت آن وجود ندارد و بر فرض پذیرش صحت و مشروعیت احرام به جهت ورود، خروج از احرام - چنان‌که گذشت - نمی‌تواند با ادای مناسک باشد و نحوه دیگری از احلال نیز از روایات باب حج - غیر از ادای مناسک - استنباط نمی‌شود؛ چنان‌که محقق خوئی^(ع) می‌نویسد: «اگر احرام به دلیل ورود به منطقه حرم واجب شده به جهت ادای مناسک است؛ در غیر این صورت احتمال نمی‌دهیم مجرد احرام بدون ادای اعمال و مناسک واجب باشد.»^۱ (خوئی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۴۲۸)

ممکن است در رد احتمال دوم گفته شود اگر مقصود سائل، فهمیدن موارد استثنا از حکم مکلفی بود که قصد انجام مناسک را دارد، باید از حکم گذر از میقات بدون احرام سؤال می‌نمود و نه از حکم ورود بدون احرام به منطقه حرم و شهر مکه، زیرا قاصد مناسک باید از میقات محرم شود و نیز اگر قرار باشد شارع تخفیفی قائل شود از میقات خواهد بود.

در پاسخ می‌توان گفت با توجه به اینکه احتمال دارد گذر از میقات برای عبور از منطقه حرم باشد، راوی با سؤال فوق به هدف خود نمی‌رسید؛ زیرا ممکن بود استثنای امام^(ع) از حکم عدم جواز گذر از میقات بدون احرام،

۱...لو وجب الإحرام لدخول الحرم فإنما هو لاداء المناسک و الافمجرد الإحرام بدون الاعمال و المناسک لا نحتمل وجوبه....

بدین جهت باشد که مکلف قصد ادای مناسک را ندارد و اگر از خصوص ورود بدون احرام به منطقه حرم یا شهر مکه سؤال کرده به این جهت است که بیان کند پرسش وی از حکم فردی است که قصد ادای مناسک را دارد و در عین حال می‌خواهد بدون احرام وارد منطقه حرم و حتی شهر مکه شود؛ زیرا محل ادای مناسک، شهر مکه است.

بنابراین به نظر می‌رسد حکم گذر از میقات بدون احرام و ورود به منطقه حرم یا شهر مکه برای کسی که قصد ادای مناسک را ندارد از این روایات قابل استنباط نیست و راوی با طرح این سؤال درصدد برآمده بدانند آیا امکان دارد شارع در مورد کسی تخفیف قائل شده و به او اجازه دهد تا مسیر میقات تا حرم و مکه را بدون احرام طی کند؟ امام علیه السلام نیز با توجه به همین مقصود، به سؤال وی پاسخ داده و مریض و مبطون را از لزوم احرام، مستثنا کرده است.

همچنین از صحیحه معاویه بن عمار که بر قداست داشتن شهر مکه حتی برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دلالت داشت، نمی‌توان متفاوت بودن حکم شهر مکه از منطقه حرم را استفاده کرد؛ زیرا این روایت ظهور دارد در اینکه در مقام امتنان صادر شده و بدیهی است که پذیرش امتنان بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم با استثنای مواردی چند از این حکم قابل جمع نیست. از این رو باید روایت را به گونه‌ای معنا کرد که با ظهور در امتنان منافاتی نداشته باشد. بنابراین باید همان‌گونه که برخی فقها مطرح کرده‌اند سخن حضرت را چنین تفسیر کرد که به دلیل اقتضائات جنگ، رعایت برخی امور برای ایشان الزامی نبوده و منظور از محرّم بودن مکه، لزوم پرهیز از قطع درختان و عدم حلیت لقطه حرم و مانند آن بوده است و ربطی به مسئله ورود به مکه بدون احرام ندارد و این استثنائات در حق فرد دیگری جاری نیست. (مدنی کاشانی، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۲۰۵)

با توجه به آنچه گذشت، معلوم گردید از روایات فوق نمی‌توان حکم عبور بدون احرام از میقات و ورود به منطقه حرم و شهر مکه را استنباط کرد و به عبارتی ظهور روایات فوق در اینکه در مقام بیان حکم قاصد مناسک است مانع

از تمسک به این روایات می‌گردد. البته اگر ظهور مزبور نیز پذیرفته نشود باز هم امکان تمسک به این روایات وجود ندارد؛ زیرا با وجود دو احتمالی که در معنای این روایات گذشت، این روایات از نظر تبیین حکم غیر قاصد مناسک، مجمل محسوب می‌شود.

در نهایت به نظر می‌رسد در خصوص حکم عبور بدون احرام غیر قاصد مناسک از میقات و ورود به منطقه حرم و شهر مکه، ادله اجتهادی نداریم و باید از اصول عملیه کمک بگیریم. شبهه مطرح در اینجا نیز شبهه وجوبیه یا تحریمیه حکمیه است که مشهور فقها قائل به براءت هستند؛ بدین معنا که مکلفی که قصد ادای مناسک را ندارد نمی‌داند آیا واجب است با احرام داخل شود یا نه و آیا ورود بدون احرام به مکه و منطقه حرم بر وی حرام است یا نه. اصل براءت^۱ به عدم وجوب احرام و عدم حرمت ورود بدون احرام نسبت به چنین مکلفی حکم می‌دهد.

بله، ممکن است گفته شود از روایات فوق، چنین برداشت می‌شود که صرف ورود به منطقه حرم و مکه مستلزم احرام است و غیر قاصد مناسک باید به نیت ورود به حرم از میقات محرم شود، اما همان‌گونه که گذشت، استنباط این مطلب بر اثبات مشروعیت احرام با چنین نیتی متوقف است که البته نمی‌توان با همین روایات، آن را اثبات کرد. علاوه بر این با فرض اثبات مشروعیت چنین احرامی، نحوه خروج از احرام باید به طریقی غیر از ادای مناسک باشد؛ زیرا مکلف در حین احرام، به نیت ادای مناسک محرم نشده تا با ادای مناسک از احرام خارج شود و خروج از احرامی تنها با خروج از منطقه حرم و انجام قربانی و تقصیر قابل تصور است و اثبات این مطلب نیز ممکن نیست؛ زیرا مطابق روایات، چنین حکمی مختص مصدود و محصور است و اگر برای غیر قاصدین مناسک در عصر تشریح نیز چنین حکمی وجود داشت، با توجه به کثرت ابتلای به آن، از طریق روایات برای ما نقل می‌شد.

همچنین ممکن است گفته شود مقصود روایاتی که از ورود بدون احرام به

منطقه حرم و شهر مکه منع کرده این است که ورود به این محدوده، مستلزم احرام به نیت قهری ادای مناسک است.

در پاسخ می‌توان گفت چنین استنباطی از روایات مزبور قابل پذیرش نیست؛ زیرا اولاً: این روایات ظهور دارد در اینکه در مقام بیان لزوم احرام برای مکلفی است که قصد دارد با اختیار خود مناسک را انجام دهد و در مقام بیان موارد مستثنا از این حکم است؛ زیرا شخصی مثل محمد بن مسلم قطعاً می‌داند احرام به جهت قصد مناسک لازم است و قصد مناسک هم اختیاری است و اگر مقصود او پرسش از لزوم و عدم لزوم احرام برای غیر قاصد مناسک بود، باید این نکته مهم - یعنی لزوم نیت ادای مناسک در مورد چنین فردی - را مورد پرسش قرار می‌داد.

ثانیاً: مستلزم این است که ورود به منطقه حرم سبب وجوب احرام باشد؛ در حالی که مطابق روایات مبین وجوب حج، قصد مناسک سبب وجوب احرام و ورود به منطقه حرم و شهر مکه است؛ به عبارت دیگر چون مکلف درصدد ادای مناسک است باید در میقات محرم، و برای ادای اعمال خود به منطقه حرم و شهر مکه وارد شود؛ نه اینکه چون می‌خواهد وارد این محدوده شود باید مناسک را انجام دهد.

نتیجه اینکه از روایات مورد گفت‌وگو سببیت ورود به منطقه حرم و شهر مکه برای وجوب احرام - چه به نیت ورود و چه به نیت قهری ادای مناسک - قابل استنباط نیست. بنابراین حجاجی که قرار است در شهر مکه در هتل‌های محل استقرار خود قرنطینه شوند می‌توانند بدون احرام وارد این شهر مقدس شوند؛ زیرا قصدشان از ورود و هنگام عبور از میقات، ادای مناسک نیست، بلکه درصددند محلی برای استقرار و قرنطینه داشته باشند تا سلامتی‌شان برای ادای مناسک احراز شود. علاوه بر اینکه تا مدت زمان قرنطینه سپری نشود و سلامتی زائر احراز نگردد، امکان قصد ادای مناسک برای آنان وجود ندارد. شاهد بر عدم قصد ادای مناسک نیز این است که اگر امکان اسکانشان در

سایر شهرهای عربستان وجود داشت، به جای ورود به شهر مکه، در آن مناطق مستقر می‌شوند و مدت زمان قرنطینه را سپری می‌کردند.

برخی فقیهان متأخر نیز در این باره چنین نگاشته‌اند: «اگر مکلف درصدد است به مکه وارد شود ولی نمی‌تواند اعمال و مناسک خود را انجام دهد، احرام بر او واجب نیست».^۱ (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۳، ص ۴۸)

ممکن است گفته شود فقها از حکم عدم جواز گذر از میقات بدون احرام، غیر قاصد مناسکی را استثنا کرده‌اند که قصدش عبور از خارج منطقه حرم یا نهایتاً عبور از منطقه حرم باشد و آنان ورود بدون احرام به شهر مکه برای غیر قاصد مناسک را جایز ندانسته‌اند؛ برای نمونه علامه حلی می‌نویسد: «کسی که قصد ادای مناسک را ندارد اگر از میقات بگذرد، اگر نخواهد وارد منطقه حرم شود و حاجتی در بیرون آن منطقه دارد به اجماع فقها نیازمند احرام نیست».

(علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۲۰۶)

محقق یزدی رحمته الله علیه نیز می‌نویسد:

اگر مکلف درصدد ادای مناسک و ورود به مکه نباشد، مثل اینکه کاری در خارج مکه - ولو در منطقه حرم - داشته باشد، احرام بر او واجب نیست. بله، از برخی اخبار چنین استفاده می‌شود که احرام از میقات برای ورود به منطقه حرم واجب است، هرچند مکلف قصد ورود به مکه را نداشته باشد، لکن بر عدم وجوب احرام ادعای اجماع شده است. (یزدی، ۱۴۲۲ق، ص ۸۰۱)

در پاسخ می‌توان گفت به نظر می‌رسد عمده دلیل فقها بر این حکم، همان روایاتی باشد که مورد گفت‌وگو قرار گرفت و چنان‌که برخی فقیهان معاصر نیز بدان اشاره کرده‌اند، (سبحانی، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۶۱۴) می‌توان این روایات را بر کسی که قصد ادای مناسک را دارد حمل کرد. در این صورت حکم وجوب احرام به کسی اختصاص می‌یابد که درصدد است برای ادای مناسک وارد مکه شود.

۱. لو أراد دخول مکه ولكن لا يقدر على النسك لعذر لا يجب عليه الإحرام.

محقق خوبی رحمته الله نیز در این باره نوشته است:

قرار دادن دو حکم برای دو موضوع با هم یعنی «کسی که می‌خواهد وارد منطقه حرم شود» و «کسی که می‌خواهد داخل مکه شود» لغو است... و واضح است که منطقه حرم، مکه را در بر گرفته است. از این رو اگر فردی با احرام برای ادای مناسک وارد منطقه حرم شود، قرار دادن وجوب احرام دوم برای ورود به مکه لغو است و اثری ندارد. این قرینه باعث می‌شود بتوانیم روایات دال بر وجوب احرام برای وارد شدن به منطقه حرم را بر فردی حمل کنیم که می‌خواهد به شهر مکه وارد شود. (خوئی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۴۲۸)

بنابراین روایات مورد استناد فقها، در بیان حکم مرید مناسک است و کسی که قصد ادای مناسک ندارد را شامل نمی‌شود. در این صورت با توجه به اجماع فقها مبنی بر جواز ورود بدون احرام به منطقه حرم برای غیر قاصد مناسک، می‌گوییم دلیلی بر اینکه حکم گذر از میقات و ورود بدون احرام به منطقه حرم متفاوت از حکم ورود بدون احرام به شهر مکه باشد وجود ندارد؛ زیرا این شهر داخل در محدوده حرم واقع شده است. بلکه باید گفت قداست و حرمت منطقه حرم نیز به این دلیل است که شهر مکه و مسجدالحرام را در بر گرفته است؛ به عبارت دیگر، شارع به جهت قداست مکه، محدوده‌ای بیش از شهر مکه را به عنوان محدوده حرم معرفی کرده تا شرافت مکه را بیان کند. از این رو به نظر می‌رسد مجموعه این محدوده، باید حکم واحدی داشته باشد.

تفاوت نداشتن حکم این دو، وقتی بیشتر قابل تأمل است که بدانیم در زمان حاضر، بخشی از شهر مقدس مکه با توسعه‌هایی که در این شهر اتفاق افتاده، بیرون از منطقه حرم قرار گرفته است و در آینده نیز امکان دارد با توسعه بافت شهری، قسمت‌های بیشتری بیرون از منطقه حرم واقع شود. بنابراین اگر شهر مکه موضوعیت داشته و ورود به این شهر با قطع نظر از واقع شدن در منطقه حرم - مستلزم احرام باشد، باید برای ورود مکلف به بخش‌های توسعه یافته آن که بیرون از حرم واقع است - هرچند مکلف قصد ادای اعمال عمره را نداشته

باشد - احرام لازم باشد؛ در حالی که بسیاری فقها معتقدند کسی که قصد ادای مناسک را ندارد برای عبور از منطقه حرم نیز نیازی به احرام ندارد. (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۳، ص ۴۸؛ خوئی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۴۲۸؛ یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۶۴۷؛ آملی، ۱۳۸۰ق، ج ۱۲، ص ۴۲۵)

ممکن است گفته شود مراد از مکه در روایات، محدوده قدیم شهر مکه است که به طور کامل در منطقه حرم واقع بوده است. از این رو منافات ندارد ورود به شهر مکه دارای حکم اختصاصی احرام باشد.

در پاسخ می توان گفت به طور حتم، احکام بیان شده از طرف شارع برای شهر مقدس مکه در عصر تشریح، به محدوده موجود در آن زمان مختص نبوده است؛ زیرا با توسعه این شهر در سال های بعد، موضوع از بین می رفت و با نبود موضوع، محلی برای جریان احکام مربوط به آن نیز وجود داشت. بنابراین قطعاً مراد از عنوان «مکه»، شهری است که در هر زمان بر آن «مکه» اطلاق شود.

علاوه بر این با وجود توسعه فراوانی که از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا زمان امام رضا علیه السلام و پس از ایشان در شهر مکه اتفاق افتاده، حکم متفاوتی برای قسمت های توسعه یافته این شهر از امامان معصوم علیهم السلام بیان نشده و با وجود مبتلا به بودن این مسئله، از هیچ راوی ای سؤالی در این خصوص نقل نشده است.

مطلب دیگری که باید مورد گفت و گو قرار گیرد، وجوب نفسی یا غیره بودن احرام از میقات است. وجوب نفسی احرام بدان معناست که صرف گذر از میقات مستلزم احرام است و احرام، خود عبادتی مستقل است و مکلف نمی تواند بدون احرام وارد منطقه حرم و شهر مکه شود؛ حتی اگر قصد ادای اعمال و مناسک عمره را نداشته باشد. در این صورت باید پس از نیت و پوشیدن جامه احرام، از محرّمات احرام پرهیز کند و خروج از احرام نیز با خروج از منطقه حرم یا تقصیر و مانند آن خواهد بود. (محقق داماد، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۶۱۰) در مقابل، وجوب غیره بودن بدان معناست که احرام به جهت ادای

مناسک واجب است؛ وگرنه به خودی خود واجب نیست.

آنچه در کلام فقها گذشت و نیز روایات مبین وجوب حج بر آن دلالت داشت مبنی بر اینکه کسی که مستطیع است یا می‌خواهد حج مستحبی انجام دهد باید از میقات مُحرم شود، ظهور دارد در اینکه وجوب احرام به جهت ادای مناسک است و به خودی خود موضوعیت ندارد و چنان‌که برخی فقها تصریح کرده‌اند، با قطع نظر از روایات نیز نمی‌توان احرام را واجبی مستقل تصور کرد؛ زیرا احرام جز با نیت حج یا عمره محقق نمی‌شود و مطابق با ظاهر روایات باب حج، احرام همان قصد حج یا عمره همراه با تلبیه است. بنابراین امکان ندارد به طور مستقل محقق شود؛ چراکه قوام احرام به قصد یکی از نُسُکین است. (محقق داماد، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۶۱۰)

همچنین توجه به این نکته ضروری است که نمی‌توان در موضوع مورد گفت‌وگو - یعنی گذر از میقات بدون احرام و ورود به منطقه حرم و شهر مکه جهت قرنطینه - مسئله را از باب اضطرار حل کرد؛ زیرا مادامی که مکلف بتواند در میقات محرم شود، مضطر به گذر از میقات بدون احرام نیست.

نتیجه بحث

نتایج حاصل از پژوهش فوق را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

۱. روایاتی که عبور از میقات و ورود به منطقه حرم و شهر مکه را به احرام منوط کرده در قاصد مناسک ظهور دارد. همچنین این روایات و روایات مبین وجوب حج ظهور دارد در اینکه احرام به جهت ادای مناسک واجب است.
۲. از روایاتی که ورود به منطقه حرم و شهر مکه را به احرام منوط کرده نمی‌توان حکم غیر قاصد مناسک را استنباط کرد؛ زیرا این روایات یا در مقام بیان حکم چنین فردی نیست یا لااقل از این جهت اجمال دارد. از این رو باید به اصول عملیه مراجعه کرد. اصل براءت، حاکی از اباحه ورود بدون احرام برای غیر قاصد مناسک است.

۳. مطابق با تصریح بسیاری از فقها، احرام برای غیر قاصد مناسک که می‌خواهد از منطقه حرم بگذرد، واجب نیست و از آنجا که شهر مکه در منطقه حرم واقع شده و از روایات نیز ویژه بودن شهر مکه استنباط نمی‌شود، فرقی در این حکم بین منطقه حرم و شهر مکه نیست.

۴. از آنجا که هدف از ورود و اسکان حجاج در هتل‌های شهر مکه، قرنطینه کردن و احراز سلامتی آنان است، مصداق غیر قاصد مناسک محسوب می‌شوند و ورود آنان بدون احرام به شهر مکه جایز است. آنان پس از احراز سلامتی باید به نیت ادای مناسک در میقات، و در صورت عدم امکان در ادنی‌الحل محرم شوند.

منابع

۱. آملی، میرزامحمدتقی (۱۳۸۰ق)،
مصباح الهدی فی شرح عروة الوثقی،
چاپ اول، تهران، نشر مؤلف.
۲. ابن إدريس حلی، محمد بن احمد
(۱۴۱۰ق)، السرائر الحاوی لتحرير
الفتاوی، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات
اسلامی.
۳. ابن برّاج، عبدالعزيز بن نحير
(۱۴۰۶ق)، المهذب، چاپ اول، قم،
دفتر انتشارات اسلامی.
۴. اشتهاردی، علی پناه (۱۴۱۷ق)،
مدارك العروة، چاپ اول، تهران،
دارالاسوه.
۵. بحرانی، يوسف بن احمد (۱۴۰۵ق)،
الحدائق الناضرة فی أحكام العترة
الطاهرة، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن
(۱۴۰۹ق)، تفصیل وسائل الشیعة إلى
تحصیل مسائل الشریعة، چاپ اول، قم،
مؤسسة آل البيت عليه السلام.
۷. خویی، سيدابوالقاسم (۱۴۱۰ق، الف)،
المعتمد فی شرح المناسک، چاپ اول،
قم، منشورات مدرسه دارالعلم.
۸. _____ (۱۴۱۰ق، ب)، معتمد
عروة الوثقی، چاپ دوم، قم، منشورات
مدرسه دارالعلم.
۹. سبحانی، جعفر (۱۴۲۴ق)، الحج فی
الشریعة الاسلامیة الغراء، چاپ اول،
قم، موسسه امام صادق عليه السلام.
۱۰. سبزواری، سيدعبدالاعلی (۱۴۱۳ق)،
مهذب الأحكام فی بیان الحلال و
الحرام، چاپ چهارم، قم، مؤسسه المنار.
۱۱. شهيد ثانی، زين الدين بن علی
(۱۴۱۳ق)، مسالك الأفهام الى تنقيح
شرايع الاسلام، چاپ اول، قم، مؤسسه
المعارف الاسلاميه.
۱۲. صاحب جواهر، محمدحسن
(۱۴۰۴ق)، جواهر الكلام فی شرح
شرايع الاسلام، چاپ هفتم، بيروت، دار
إحياء التراث العربي.
۱۳. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۰)،
النهاية فی مجرد الفقه و الفتوى، چاپ
دوم، بيروت، دارالكتاب العربي.
۱۴. _____ (۱۴۰۷ق)، الخلاف،
چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۵. علامه حلی، حسن بن يوسف
(۱۴۱۴ق)، تذكرة الفقهاء، چاپ اول،

- قم، مؤسسه آل البيت عليه السلام.
 ۱۶. _____ (۱۴۱۲ق)، **منتهى المطلب فى تحقيق المذهب**، چاپ اول، مشهد، مجمع البحوث الإسلامية.
 ۱۷. كلينى، محمد بن يعقوب (۱۴۰۷ق)، **الكافى**، چاپ چهارم، تهران، دارالكتب الإسلامية.
 ۱۸. گلپایگانی، محمدرضا (۱۴۰۳ق)، **كتاب الحج**، چاپ اول، قم، دارالقرآن الكريم.
 ۱۹. مازندرانی، محمدهادی (۱۴۲۹ق)، **شرح فروع الكافى**، چاپ اول، قم، دارالحديث.
 ۲۰. محقق حلى، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق)، **شرايع الاسلام فى مسائل الحلال و الحرام**، چاپ دوم، قم، مؤسسه اسماعيليان.
 ۲۱. محقق داماد، سيدمحمد (۱۴۱۸ق)، **كتاب الحج**، چاپ اول، قم، دارالاسراء للنشر.
 ۲۲. محقق سبزواری، محمدباقر بن محمد مؤمن (۱۲۴۷ق)، **ذخيرة المعاد فى شرح الارشاد**، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت عليه السلام.
 ۲۳. مدنى كاشانى، رضا (۱۴۱۱ق)، **براهين الحج للفقهاء و الحجج**، چاپ سوم، كاشان، مدرسه علميه آيه الله مدنى كاشانى.
 ۲۴. مصطفوى، سيدمحمد كاظم، (۱۴۲۱ق)، **مائة قاعدة فقهية**، چاپ چهارم، قم، دفتر انتشارات اسلامى.
 ۲۵. مظاهرى، منصور (۱۳۹۷ش)، **مناسك حج مطابق با فتواى امام خمينى و مراجع تقليد**، چاپ سيزدهم، تهران، نشر مشعر.
 ۲۶. مقدس اردبيلى، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق)، **مجمع الفائدة و البرهان**، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامى.
 ۲۷. موسوى عاملى، محمد بن على (۱۴۱۱ق)، **مدارك الاحكام فى شرح شرايع الاسلام**، چاپ اول، بيروت، مؤسسه آل البيت عليه السلام.
 ۲۸. نراقى، احمد بن محمد مهدى (۱۴۱۵ق)، **مستند الشيعة فى احكام الشريعة**، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت عليه السلام.
 ۲۹. يزدى، سيدمحمد كاظم بن عبدالعظيم (۱۴۱۹ق)، **العروة الوثقى (محشى)**، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامى.
 ۳۰. _____ (۱۴۲۲ق)، **العروة الوثقى مع تعاليق الامام خمينى**، چاپ اول، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى.